انترناسیونال 461

بهروز مهرآبادی

**شکست ناگزیر کنفرانس بروکسل**

روزهای شنبه و یکشنبه ۱۷ و ۱۸ تیر کنفرانس "پیشبرد اتحاد برای دموکراسی" در شهر بروکسل تشکیل شد. بعد از افتضاح کنفرانس استکهلم و کنفرانس واشنگتن، برگزار کنندگان تلاش کردند که ظاهر آبرومندی به این کنفرانس بدهند. اما این تلاش ها نتوانست مهر شکست را از پیشانی این کنفرانس نیز پاک کند. وجوه مشترک شرکت کنندگان در این کنفرانس و انتخاب اسم بی مسمای "پیشبرد اتحاد برای دموکراسی" هم نتوانست نتیجه ای از این کنفرانس بیرون بدهد. شرکت کنندگان در این کنفرانس را طیف های مختلف اپوزیسیون بورژوایی رژیم تشکیل می دادند. از جواد خادم وزیر حکومت شاهنشاهی و هماهنگ کننده کودتای نوژه تا جواد سازگارا معاون نخست وزیر جمهوری اسلامی، مدیر رادیو ایران، از بنیانگذاران سپاه پاسداران و از سرکوبگران کودتای نوژه، چهره هایی از جناحها و باندهای مغلوب جمهوری اسلامی و یا شخصیت های وفادار به خانواده پهلوی، نمایندگان گروه های قومی و یا رهبران گروه های خدمتگزار جمهوری اسلامی همچون سازمان اکثریت.

با وجود تفاوت های ظاهری، همه شرکت کنندگان در کنفرانس بروکسل در مخالفت با انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی و در حفظ منافع سرمایه داری متفق القول و هم عقیده بودند. در بیانیه پایانی این کنفرانس نه حرفی از جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش در میان است و نه اشاره ای به برابری زن و مرد و رفع آپارتاید جنسی می شود. نه لغو مجازات اعدام مطرح می شود و نه چیزی درباره آزادی بی قید و شرط بیان و اندیشه نوشته شده است. نه آزادی زندانیان سیاسی خواسته شده و نه رفاه، معیشت و منزلت انسانی. نه آزادی تشکل خواسته شده و نه حق اعتصاب و اعتراض.

چیزی که شکست این کنفرانس و این "اتحاد" را رقم زده جنبش قدرتمند انقلابی است که ریشه های آن هر روز در جامعه قوی تر می شود. جنبشی که خواست های آزادیخواهانه و برابری طلبانه را نمی توان از آن گرفت و هر روز بر رادیکالیسم آن افزوده می شود.

برگزار کنندگان کنفرانس بروکسل شعور مردم را دست کم گرفته اند. اگر کسی حتی یک ساعت در تهران زندگی کرده باشد، می فهمد که مردم جمهوری اسلامی را در هیچ قبائی نمی خواهند. خواست های مردم ایران بسیار رادیکالتر و عمیق تر از آن است که بتوان سرنوشتی همچون لیبی یا سوریه برای آن رقم زد و برای آن آلترناتیو تراشی کرد. آنهم توسط بخشی از حامیان رژیم و یا طرفداران نظام سابق و یا مشتی قوم پرست که هر کدام سابقه ای در زمینه سرکوب آزادی، زن ستیزی، کارگر ستیزی، خدمت به جمهوری اسلامی و یا ایجاد مناقشات قومی دارند. بی جهت نیست که در کنفرانس اول به بهانه های واهی حتی جرئت نکردند تا لیست شرکت کنندگان را اعلام کنند. کنفرانس واشنگتن بخاطر افشا شدن نام حامی مالی کنفرانس رفسنجانی، با صندلی های خالی برگزار شد. کنفرانس بروکسل هم فقط تلاشی بود برای پنهان نگاه داشتن صفوف در هم ریخته بورژوازی تا بلکه بتوانند اعتماد و حمایت آمریکا و غرب را بخود جلب کنند. اما بحران عمیق و سردر گمی نمایندگان بورژوازی دور از قدرت نمی تواند از چشم غرب دور بماند. این کنفرانسها حتی نتوانست به شکلی برگزار شود که غرب از آن بعنوان مترسکی برای ترساندن جمهوری اسلامی استفاده کند.

کنفرانس های بعد از بروکسل هم محکوم به شکست است، چون خواست های برگزار کنندگان آن خارج از میدان سیاست و تفکر جمهوری اسلامی نیست و راه حل هایشان تفاوتی با سیاست های این یا آن جناح جمهوری اسلامی ندارد. شرکت کنند گان در این کنفرانس ها نه جرات و نه خواست تغییر بنیادی در سیاست و قوانین حاکم بر جامعه را دارند. سرمایه داری برای ادامه بقای خود، برای پیشبرد سیاست های بانک جهانی، برای استفاده از کار ارزان و ادامه غارت و استثمار راهی بجز سرکوب ندارد. این همان سیاستی است که جمهوری اسلامی به پیش می برد. مردم قرار نیست که در آینده رنگ یونیفرم گاردهای سرکوب اعتصاب و تظاهرات را انتخاب کنند و یا درباره نوع سلاحی که با آن هدف قرار می گیرند، رای بگیرند. مردم ایران انتخاب خود را کرده اند و این را در هر تجمع کارگران، دانشجویان، زنان و همه مردم می توان دید. یک جامعه آزاد، برابر، مرفه، سکولار و معیشت و منزلت انسانی در مقابل سرکوب، اختناق، فقر و فلاکت و نابرابری، تحقیر و جهل و خرافات که قرن ها است به آنها تحمیل شده است. صفوف به هم ریخته سرمایه داری چه در درون و چه در خارج نظام ناشی از قدرت مبارزات و خواسته های انسانی آنها است. حکم شکست کنفرانس بروکسل و کنفرانس های بعد از آن را همانند حکم سرنگونی جمهوری اسلامی، مردم در خیابانها و در فریادهای اعتراض خود به وضع موجود داده اند.